

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مأخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانوشت شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مأخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهی دیه و ماهیت آن در سیاست جنایی اسلام
۱۷	دیدگاه علمای شیعه، سنی و وهابی درباره توسل به ائمه (ع) و اولیاء الهی (ع) و اشکالات وارده بر آن
۴۳	اختیارات ولی خاص و قیم در امر قصاص از دیدگاه فریقین و حقوق ایران و افغانستان
۶۵	چیستی فلسفه فقه
۷۹	اندیشه مهدویت در تصوف با تأکید بر سلسله نوربخشیه
۱۰۳	وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نیکوکار بر زمین
۱۲۱	حکم غنا از دیدگاه مرحوم شیخ انصاری و مرحوم امام خمینی

سید عباس حیدری^۱

چکیده مقاله

مسئله غناء یکی از چالش برانگیزترین مسائل و موضوعات شرعی و فقهی است که بین لغویین خصوصاً فقهای عظام - به خاطر ابتلاء و مجالس متعدد در جامعه اسلامی و ایجاد سرور و طراوت به آن - مورد اختلاف و تضارب آراء قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است تا حدودی نظریات دو تن از فقهای بزرگ شیعه (شیخ انصاری و حضرت امام خمینی) به صورت گذار و کلی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. محتوای تعریف این دو فقیه عظیم الشان از غناء تقریباً شبیه همدیگر است. اما از جهت اصطلاحات لفظی بطور جزئی با هم اختلاف نظرات دارند. نکته ای که وجود دارد این است که مرحوم امام در ادله مرحوم شیخ انصاری در اخبار مفسره خدشه وارد کرده و آن را مردود می داند. شیخ هم غناء را از لهوری بودن و متناسب با مجالس لهوری و الحان اهل فسق حرام می داند. اختلاف دیگری که قابل توجه است در مستثنیات غناء است که از جمله در بحث روایات جواز فضیلت قرائت قرآن که شیخ انصاری روایات این باب را حمل بر صوت حسن کرده است و حضرت امام می گوید اینها توسط دلیل خاص از تحت حکم کلی حرمت غناء خارج شده است.

واژه گان کلیدی: غناء، حرمت، لهور، مجالس لهوری، صوت مطرب،

۱. کارشناسی ارشد. رشته فقه و حقوق قضایی؛ جامعه المصطفی

۱. مقدمه

یکی از موضوعات و مسائل مهم که در بین ادبا، لغویین، فقهاء و علما - اعم از شیعه و سنی - علی الخصوص فقهای شیعه، مورد مناقشه و تضاراب آراء و ارائه انظار و افکار روایی و فقهی قرار گرفته است مساله غناء می باشد که از جهات متعدد بالجمله - از لحاظ حکم و موضوع - مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است (صمیری، ۱۴۰۸: ۳۸۶/۳ - ۳۸۷)؛ فلذا لازم دانستم این مساله را از نگاه دو فقیه بزرگ و نامدار قرن اخیر شیعه (شیخ انصاری، امام خمینی) تحقیق و مورد بحث قرار بدهم؛ شیخ انصاری^۱ جزوه محدود فقها و عالمان شیعه است که دارای نظرات ژرف و عمیق در مباحث اصولی و فقهی می باشد. کتاب های "فرائد الاصول، کتاب المکاسب" دو اثر پربار و محصول یک عمر تلاش شیخ است که سالها در حوزات علمیه شیعه، خوانده و تدریس شده است؛ یکی از فقیهان که مساله غناء را بطور مفصل و مبسوط مورد تحقیق و تنقیح قرار داده است شیخ انصاری می باشد (شیخ انصاری، کتاب المکاسب ۱۴۱۳: ۱/۲۸۶ - ۲۹۵). یکی دیگر از این فقیهان، مرحوم امام خمینی یکی عالمان قرن معاصر است که - ایشان فقیه ممتاز و کم نظیر در علوم معقول و منقول؛ دارای ابتکار در اجتهاد و ارائه نظریه ولایت فقیه و حکومت اسلامی در فقه شیعه می باشد - دو

۱ شیخ الفقهاء و المجتهدین (شیخ مرتضی انصاری)؛ یکی از عالمان و چهره ماندگار و کم نظیر جهان اسلام و مکتب جعفری، در حوزه فقه و اصول، در قرون اخیر می باشد. شیخ انصاری معاصر با حکومت قاجاریه می زیسته است. مرتضی انصاری بزرگترین فرزند شیخ محمد امین مصادف با روز عید غدیر خم به تاریخ ۱۲۱۴ ه.ق، در یک خانواده متدین و با فضل و ادب چشم دیده به جهان گشود. شیخ انصاری با توکل به خداوند متعال و با توسل به ائمه اطهار علیهم السلام به مقامات علمی و درجات معنوی و عرفانی نائل گشت؛ و سر انجام این فقیه وارسته و اصولی متجدد بعد از یک عمر سعی و تلاش در جهت احیاء اعتلای کلمه توحید و معارف اهل بیت ع و تربیت مجتهدان و عالمان بزرگ به شصت و هفت سالگی در شب هجدهم جمادی الثانی در نجف اشرف به دیدار معبود خود شتافت. (برای آشنایی و اطلاعات بیشتر راجع به شخصیت و ابعاد شخصیت شیخ مرتضی انصاری به کتاب "دریای فقاقت زندگینامه شیخ انصاری" نوشته سید عبدالرضا موسوی مراجعه نمایید.

اصل زمان و مکان را برای اجتهاد موثر و از لوازم لاینفک اجتهاد می دانند (سبحانی، ۱۴۳۰: ۳/۲۱-۹۱). مرحوم امام خمینی هم مساله غناء را در کتاب "المکاسب المحرمه" بطور مفصل و گسترده بحث کرده اند؛ ایشان در این کتاب گرانسنگ، تعریف جدید و اصطلاح خاص از غنا بیان فرموده اند که فی الجمله از کشفیات و ابداعات ایشان در فقه شیعه است که در گذشته همچون تعریف با این کیفیت خاص و هیئت نبوده است الا شدّ و ندر؛ (خمینی، ۱۳۹۲: ۳۳۳/۱؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۳: ۱۱۲/۱ - ۱۱۷).

۲. مفهوم شناسی غنا

۱-۲. معنای لغوی غناء

غناء؛ در بعضی از کتب لغت، برای کلمه غناء دو معنا ذکر کرده اند.

الف - موسیقی

ب - سرود، نغمه، آواز.

صفت فاعلی آن غنا ساز: سرود سرا، نوازنده.

غنائی: صفت نسبی؛ منسوب به غناء (ادبی)؛ ویژگی اثر ادبی که بیانگر عواطف و احساسات باشد. مانند غزل عاشقانه؛ قصیده حسب المعمول با ابیات غنائی آغاز می گردید. (انوری، ۱۳۸۱: ۶/۵۲۱۲).

غَنَى؛ طَرَب و تَرْتَم بالكلام الموزون و غیره و يقال غَنَى الحمام: صَوَّت و...؛ فلان بفلان: مَدَحَهُ او هجأه. بالمرأة: تَغَزَلَ بها.

(الأغنية): ما يترتّم به من الكلام الموزون و غیره. (ج) أغاني. بعضی گفتند اغنيه نوعی از غناء است اما جزو غناء ما لا يطرب است (ملا حبیب الله کاشانی، ۱۴۱۷ه ق: ص ۶۴-۶۷).

(الغناء): التطريب و الترتّم بالكلام الموزون و غیره. یكون مصحوباً بالموسيقى و غیر مصحوب.

(الغنائية): مسرحية شعريّة حوارية تنشُد ممثلة و موقّعة علی انغام الموسيقي. (ابراهيم مصطفى، ۱۴۲۶: ۶۶۴/۱-۶۶۵).

لغتنا مه دهخدا، برای کلمه غناء سه معنا بیان کرده است.

(غناء): اسم مصدر: توانگری، بی نیازی، دولت‌مندی.

(غناء): اسم خاص (علم): یا غانا، اسم کشوری است در مغرب آفریقا که در کنار خلیج گینه قرار دارد.

(غناء): سرود، نغمه، دستگاه؛ مأخوذ از غناء، آواز خوانی.

الف - طرب: نوعی خفت و سبکی در نفس است که از شدت شادی یا غم پیدا می‌شود.

ب - صوت مطرب: آن است که این حال را در انسان پدید می‌آورد با این معنی که مقتضی حدوث خفت است و لوفعلاً به جهتی موجب سبکی نباشد.

ج - ترجیع: تردّد صوت است در حلق و دهان با وزن‌های مخصوص. خلاصه آن که غناء صوت است مناسب با آلات لهو و ضرب و رقص است. از نظر شیخ صرف مرجع بودن کلام دلیل نمی‌شود آن صوت و کلام حرام گردد مگر اینکه ترجیع مع الصوت الّلهوی باشد. (لغتنامه دهخدا، ۱۳۳۵: ۳۲۷/۳۶ - ۳۳۰؛ شیخ انصاری ۱۴۱۳: ۳۱۰/۱).

الغناء: مثال کتاب الصوت و قیاسه لأنه صوت و(غنی) بالتشديد إذا ترنّم (بالغناء)؛ (فتیومی، ۱۳۵۶: ۴۵۶/۲).

از مجموع معانی بالا که برای معنای لغوی غناء و طرب و ترجیع بیان شد چند نتیجه بدست می‌آید.

اولاً: قدر متیقن معنای غناء، همان آواز و صوت خاص است که توأم با طرب و ترجیع بوده و باعث خفت و سبکی نفس و روح انسان شده و روح انسان را از حالت عادی به حالت غیر عادی تبدیل می‌کند.

ثانیاً: صوت مطرب، اطراب کیفیت زائد بر صوت و عارض بر آنست (فتیومی، ص ۵۹). یا همان تاثیر که متأثر از خصوصیت خاص است که در نفس کلام و شخص اجراکننده وجود دارد که باعث خفت و تغییر حالات درونی و روحی انسان می‌شود؛ در واقع صوت مطرب، سبب و علت است برای غناء که محصول آن تغییر عواطف درونی و غرایض حیوانی انسان شده، که برای انسان یک حالت تحریکی و دگرگونی ایجاد می‌شود.

ثالثاً: ترجیع یا همان گردانیدن صوت در حلق و دهان، ترجیع در واقع از عوارض صدا است، نه از ذاتیات؛ یعنی صدا اولاً و بالذات، دون الترجیع است؛ ممکن است کلام و صدای مع الطرب باشد، دون ترجیع باعث خفت و سبکی نفس و برانگیختن احساسات شود.

ماحصل نتایج بدست آمده این می شود که؛ ممکن است کلام و صوتی هم مطرب و هم مرجع باشد؛ در غناء بودن این شک نیست (فرق نیست که در کلام حق باشد یا کلام باطل)؛ بعضی فقهاء ادعای اجماع و اتفاق بلا خلاف دارد. (مد الصوت المشتمل على الترجیع المطرب الاعم عن السّار و المحزون المنهم لمعنی غناء قطعاً عند جمیع ارباب هذه الاقول؛ قدر متیقن غناء در نزد فقهاء و پیروان این قول، همین تعریف مشهور فقهاء است که هیچ اختلاف در حرمت آن وجود ندارد بل اجماع به استفاضه رسیده است؛ حتی از ضروریات مذهب دانسته شده است (نراقی ۱۴۱۵: ۱۴/۱۲۵-۱۲۸). بعضی از فقهاء بر حرمت این تعریف غناء ادعای تواتر ادله و نصوص کرده است؛ (طباطبائی ۱۴۱۸: ۱۵۵/۸-۱۵۶). هکذا کلام باطل باشد مع الطرب، که حالت غنائی داشته باشد.

۲-۲-۲- معنای اصطلاحی غناء

برای کلمه غنا لغتاً و اصطلاحاً تعاریف و تفاسیر مختلف و گوناگون از طرف فقهاء و لغویین صورت گرفته است؛ هر کس به اساس طبع و مشی علمی و ذوق عملی خود یک نوع تعریف و توضیح از غناء ارائه کرده است. آنچه که در مسأله غناء و مسائل و احکام آن باعث اختلاف و منشأ آراء فقهاء و اندیشمندان شده است موضوع غناء است نه تعریف و مفهوم لفظی غناء؛ یا به تعبیر دیگر شبهه "شبهه ای موضوعیه" است نه شبهه ای حکمیه که بعضی ها می گویند (شهید سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ۱۴۳۰: ۳/۹۳؛ شیخ انصاری، ۱۴۳۸: ۲/۱۱۲؛ ایروانی، ۱۴۲۱: ۳/۱۷۸).

انّ الطرب حالة نفسیة عبّروا عنها بالخفة، لانّ الإنسان فیها یجد نفسه كأنه أن یتطیر و هذا لا یكون الاّ إذا أصبح خفیفاً جداً (ایروانی، همان).

الغناء: ککساء؛ الصوت المشتمل على الترجیع المطرب او ما سمّی بالعرف غناءً، و إن لم یطرب؛ سوءاً کان فی شعرٍ أو فی قرآنٍ او غیرهما. (طریحی، ۱۳۶۲: ۱/۳۲۱؛ شهید

اول، ۱۴۱۷: ۱۹۰/۳). صاحب ریاض با تایید کردن قول مشهور بنا بر اصح الاقوی، می گوید نصوص و ادله در این باب در حد تواتر رسیده است مع ذلک به اطلاق خودشان باقی هستند و مدلول این روایات غناء فی نفسه و بعنوانه است؛ (طبایبی ۱۴۱۸: ۱۵۵/۸-۱۵۶:۴).

مرحوم امام ره در کتاب گرانسنگ خود "المکاسب المحرمه" بحث مفصل و مبسوط درباره مسأله غناء انجام داده است؛ شبیه سبک شیخ انصاری در مکاسب با کمی تفاوت؛ اولاً معنای لغوی غناء را مطرح کرده و ثانیاً تمام آراء و نظریات فقها، لغویین و ادبا را بطور عام - اعم از مشهور و غیره - بیان فرموده اند و بعداً بطور اجمال و خلاصه وارد بحث شده و تمام تعاریف و احتمالات را رد کرده و به تایید و نقد تعریف محمد علی اصفهانی می شود (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۱/۳۳۳).

الف) فسرّه بالسّماع، و بالتّرجیع و بالتطّریب، و برفع الصوت مع التّرجیع، مدّه مع التّرجیع، أنّه مدّ الصوت المشتمل علی التّرجیع المطرب إلی غیر هذه التّعاریف... (همان، نراقی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ۱۴۱۵: ۱۴/۱۲۵-۱۲۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۱۹۰/۳؛ ملا حبیب الله، ۱۴۱۷ه ق؛ ص ۶-۶۸).

محقق ابروانی در کتاب "حاشیة المکاسب" می گوید بحث کردن از حرمت غناء شایسته نیست؛ ادله و اخبار در حد کافی و روشن در این زمینه وجود دارد، آنچه که محل اختلاف و تضارب آراء است و ادله و اخبار به آن اشاره نکرده است و خالی از تعیین موضوع غناء است؛ فلذا اشکال و ایراد در موضوع غناء است نه حکم حرمت غناء، مع ذلک کلمات فقهاء، لغویین در این باب اضطراب دارد (محقق ابروانی، ۱۴۲۱: ۱۷۸/۳).

کسانی که قائل به حرمت ذاتی و نفسی غناء هستند - عبارتند از: تعریف صاحب جواهر: "ما هو محرم فی نفسه - منه الغناء" صاحب جواهر برای حرمت غناء ادعای تواتر اخبار، إجماع، حتی گفته بعضی ها از ضروریات مذهب می دانند. گفته اختلاف و شبهه ای در غناء من حیث الموضوع است نه مفهوم؛ (نجفی، بی تا: ۴۴/۲۲؛ طبایبی، ۱۴۱۸ه ق؛ همان؛ شیرازی، ۱۴۱۵: ۲۸۰-۲۹۰). "ما حرم لعینه کالغناء" (شهید، ۱۴۱۷ه ق؛ همان).

من جمله ما یحرم التکسب به لحرمة ذاتاً الغناء؛ مرحوم کاشف الغطاء می گوید. اختلاف در غناء بین فقهاء، به خاطر تعارض ادله نیست؛ بلکه اختلافات ناشی می شود از معنای حقیقی و لغوی لفظ غناء. و هو محرم لنفسه اجماعاً محصلاً و منقولاً متواتراً و الكتاب العزیز و السنة المتواترة شاهدان علیه. فالادلة الثلاثة متفقة علی تحریمه (کاشف الغطاء، ۱۴۲۴هـ ق: ص ۱۱۲ - ۱۲۴).

بعضی قائل اند که غناء حقیقت عرفیه در صوت لهوی بالمعنی الاعم است؛ یعنی از معنای لغوی به معنای عرفی نقل پیدا کرده است؛ سواکان بنفسه، مجرداً من الاقتران بالآلات الخارجية المحرمة او بسبب اقترانه بشئی منها، و دلایل برای آن ذکر کردند. (شیوخ استعمال و غلبه وجود این معنا در اعصار؛ تبادل معنای مورد نظر از لفظ غنا با قطع نظر از شیوخ و غلبه وجود؛ عدم تردید و شک عرف در اطلاق این لفظ به صوت خاص؛ با شک کردن در اطلاق کردن لفظ غناء بر غیر آن؛ عدم صحت سلب لفظ غناء از این نوع و صحت سلب از غیر آن معنا؛ اتفاق علما بر حرمت معنای مورد نظر غناء و اختلاف فقها در معنای غیر آن؛ ظاهر این است که بین تحسین صوت و طرب تلازم خارجی است (ملا حبیب الله، ۱۴۱۷هـ ق: ص ۷۱ - ۷۶). بعضی از فقها تمام اجماعات و اتفاقات بانحاه، بر حرمت غناء وارد می کنند؛ و می گوید این اجماع اعتباری نداشته و آنرا اجماع منقول می داند. اجماع را در صورت صحیح می داند که مستند به حسّ باشد نه از روی اجتهاد و حدس؛ در مقام استدلال برای حرمت عمل به ظن، مگر اینکه دلیل خاص داشته باشیم و حال آنکه دلیل نداریم بر خروج ظن حاصل از اجماع منقول (همان، ص ۳۷).

۳. شبهه در مساله غناء

اصل در شبهه موضوعیه، در غناء اباحه است؛ که ناشی می شود از شبهه در حکم، و اجتناب از باب مفهوم موضوع است که واجب است از باب مقدمه اجتناب کرد. (نجفی، بی تا: ۴۶/۲۲ - ۴۸).

به نظر بعضی از فقهاء - سه دلیل را گفته اند. اجمال و اشتباه در وضع و یا در مراد، یا تعارض ادله و اخبار جواز با ادله حرمت بالنسبة الی بعض افراد - شبهه حکمیة تحریمه است (ملا حبیب الله کاشانی، ۱۴۱۷هـ ق: ص ۳۵ - ۳۶).

در ادامه می‌فرماید کسانی که اطلاعات اخبار غناء را بر فرد شایع حمل می‌کنند؛ حمل در صورت درست است که فرد شائع، معنای حقیقی غناء شده باشد در عرف؛ اما به چند دلیل این حمل درست نیست؛

الف - مطلق من حیث هو المطلق افاده عموم نمی‌کند؛ به خاطر که وضع نشده برایش لغتاً و نه عرفاً؛ مطلق برای ماهیت مطلقه به صورت لا بشرط است بخلاف الفاظ که وضع شده برای عموم بشرط شی، حمل عام بر عموم غیر مشروط و حمل مطلق بر عموم با شرط است. مجرد استعمال مطلق در فرد شایع باعث حقیقت عرفی نمی‌شود. اگر استعمال شود مجاز خواهد بود چون مطلق برای فرد بعینه وضع نشده بلکه برای جنس شایع وضع شده است. و اگر به فرد غیر معنای شایع حمل کنیم یا بر معنای لغوی آن، حمل بر معنای مجازی و یا حقیقت مجهوره بدون دلیل و قرینه است و این غیر مجاز است. حمل و غلبه استعمال مطلق بر فرد شایع از امارات و قرائن مراد است برای امارات موضوع ذکر نشده است.

بعضی از افراد شایع مطلق بحسب استعمال یا وجود در خارج نباشد. بلکه بالنسبه به جمیع افرادش مساوی باشد.

مطلق برای بیان خودش باشد نه برای تقریب و بیان حکم چیز دیگر، و الا لم یعمل باطلاقه. اگر دانسته شود که متکلم در صدد بیان حکم مطلق است من حیث هو، لازم است حمل بر عموم شود. و اگر در صدد بیان حکم دیگر باشد حمل نمی‌شود بر عموم. (همان، ص ۴۵ - ۴۶). بحث است در اینکه آیا قید کاشف از اراده عموم از مطلق است یا کاشف نیست؟

اگر کاشف بود حمل بر عموم نمی‌شود و اگر بود حمل درسته.

بعضی از فقها گفته‌اند شبهه حکمی، در جای است که اشتباه به خاطر عدم دلیل و یا تعارض دلیلی باشد؛ یعنی اگر اجمال در متعلق حکم باشد شبهه، شبهه حکمی است (شیخ انصاری، ۱۴۳۸ه ق: ۱۱۴/۲).

علما برای لهُو معانی زیادی ذکر کرده‌اند.

الف - چیزی که انسان را از هدف اصلی و کار مهم خود مشغول کند. ممکن است آن لهُوی منفعت قلیله داشته باشد.

- ب - مطلق غفلت و فراموشی از شی مفید؛ و اشتغال به چیزی مضار و غیر آن.
 ج - غفلت و ترک ذکرالله.
 د - مطلق باطل و معصیت و محرمات. (کاشانی، ۱۴۱۷هـ.ق: ص ۶۰-۶۱).

۴. دیدگاههای فقهی

۴-۱. تعریف شیخ محمد رضا اصفهانی

إنَّ الغناء هو الصوت المتناسب الذي من شأنه بما هو متناسب أن يوجد الطرب أعني الخفة بالحد الذي مرّ...

چیزی که از تعریف مرحوم شیخ محمد رضا اصفهانی به دست می آید این است که: "غناء عبارت است از صوت متناسب که شأنیت آن ایجاد با طرب و سبکی باشد" ظاهر این تعریف، در واقع همان معنای لغوی غناء (صوت مع الطرب) است که فعلیت را شرط نمی داند. مرحوم امام ره از بین تمام تعاریف و اصطلاحات غناء، این تعریف را ادق و اسدّ می داند و می فرماید: "والانصاف أنّ ما ذكره وحقّقه احسن ما قيل في الباب واقرب باصابة الواقع وأن كان في بعض ما أفاده مجال المناقشه (همان، ص ۳۳۸). انصاف و حق این است که بهترین و مناسب ترین تعریف از غناء، بیان است که شیخ محمد رضا اصفهانی کرده است؛ و نزدیک ترین تعریف به صواب، مع ذلک امام ره این تعریف را ناقص دانسته و اشکالات را وارد می کند.

الف - در اینکه غناء عقل را زائل می کند و علت در غناء مثل علت بودن سُکر در شراب است دلیل در عرف و لغت وجود ندارد.

ب - اشکال دیگر مرحوم امام، به تعریف شیخ اصفهانی، به اعتبار توازن و ایقاع آن است. مرحوم امام ره می فرماید: توازن و تنظیمات شعری، از عوارض الفاظ و کلام است نه صوت؛ طرب هیچ تلازم با توازن الفاظ و کلام ندارد. ممکن است در ایجاد طرب و خفت روح موثر باشد و جزء العله قرار بگیرد.

أنه صوت الإنسان الذي له رقة وحسن ذاتي و لو في الجملة و له شأنية إيجاد الطرب بتناسبه لمتعارف الناس (ر.ک، همان).

تعریف امام ره از غناء، کاملاً یک تعریف جدید و شاهکار استثنائی درباره غناء

است؛ از این تعریف چند نکته بدست می آید. اولاً: مرحوم امام ره قائل به حرمت ذاتی غناء بوده، و بطور کلی قبول ندارد، فی الجمله غناء را فی نفسه و فی ذاته حرام می داند - به وضوح و اندک تامل این تعریف از لابلای کلمات و نظرات امام در کتب فقهی ایشان به دست می آید. ثانیاً: امام ره صرف شانیت طرب و ایجاد حالت خفت و سبکی را در حرمت و تحقق آن کافی می داند. این شانیت باید برای متعارف مردم ایجاد و محقق شود - بین فقهاء اختلاف است که آیا شانیت فعلی لازم است یا شانیت عرفی و نوعی کفایت می کند - نه شانیت فعلی و شخصی، که عده ای از فقهاء طرفدار این نظریه هستند.

۲-۴. دیدگاه امام در تحریر الوسیله

انجام غناء و شنیدن و تکسب غناء حرام است؛ و غناء مجرد تحسین صوت نیست، بلکه منظور مد و کشیدن آن و ترجیع آن به کیفیت خاص مطربی که مناسب مجالس لهو و محافل طرب انگیز بانضمام آلات لهو الغناء می باشد (امام خمینی ره، ۱۳۷۹: ۱ و ۳۸۸/۲). امام صوت مطرب را که متناسب با مجالس لهو بوده و شانیت ایجاد را داشته باشد حرام می داند.

اشکالات مرحوم امام ره بر شیخ انصاری

مرحوم امام ره توجیهاات شیخ انصاری راجع به اخبار مفسره آیات باب غناء را در معنای مورد نظر شیخ قبول نداشته آنرا جامع نمی داند و اشکالات و ایرادات را مطرح می کند.

اولاً: به حسب تعریف قول؛ شیخ یا باید از روایات رفع الید کنیم، یا باید ادله مذکور را حمل بر معنا و تعریف خاص غناء نمایم با قیام قرینه عقلیه از مقوله قول نیست.

ثانیاً: قبول کردن قول شیخ بمعنای رفع الید از ظواهر اخبار مفسره، یعنی غناء تمام الموضوع برای قول الزور است؛ به عبارت دیگر، ظاهر اخبار حرمت قول زور را ثابت می کند نه حرمت غناء به معنای متعارف و مشهور را - که مدعی شیخ است - حمل

اخبار بر غناء (بما ذکر اته صوت مترجیع المطرب) حمل علی غیر مدلولها بحسب العرف. حفظ ظاهر اخبار و حمل کردن آن به معنای حقیقی غناء باطله و زخرف (امام خمینی، ۱۳۷۹هـ.ش: ص ۳۴۵-۳۴۶). در جواب این اشکال می فرماید: "اندراج غناء در عمومات روایات مفسّره از باب اندراج مصادیق عنوان است؛ اما حکم متعلق و اختصاص به قول زور و کلام باطل دارد (همان، ص ۳۹۵).

برخی از فقهاء معاصر دلالت اخبار مفسّره را بطور مطلق رد نمی کنند و در بعضی از آنها خدشه وارد نموده و موافق با نظر امام است و می گوید: "صحيح ابی الصباح عن الصادق فی قول عزّوجل -والذین لا یشهدون الزور - در تفسیر قول الزور، و هكذا روایت ریان، قال "سالت الرضاع یوماً بخراسان عن الغناء... "علی الاظهر دلالت ندارد. این دو روایت دلالت بر حرمت غناء ندارد کما اینکه از ظاهر آیه فهمیده می شود.

موثقة یونس، در دلالت آن بر حرمت غنا تردید وجود دارد.

همچنین "صحيح هشام، صحيح ابراهيم، عماد، علی بن جعفر" دلالت بر حرمت غناء ندارد. (آصف محسنی، بی تا: ۷۰-۷۵).

۴-۲-۱. تقسیم غنا از نظر امام خمینی

الف - غناء حق

غناء تغنی به اشعار که متضمن ذکر جنت، تشویق به دارالقرار باشد. این تعریف اشاره به حدیث "فذكرتک الجنة... الخ" دارد.

ب - باطل

چیزی که متعارف در مجالس لهوی و غنائی باشد. مثل مجالس بنی امیه، بنی عباس و... (محسنی، بی تا، ۳۵۴).

عمومات وارده در باب حرمت غناء و ادله استثنائات مثل قرائت قرآن، مرآتی و...؛ در صورت تعارض، به حسب قاعدة تساقط است و رجوع به اصل؛

امام ره؛ قراة القرآن، مرآتی، فضائل الادعیه و... را از مستثنیات نمی داند و قائل به این است که ادله حرمت غناء اینها را هم شامل می شود و لکن آنها به دلیل خاص از

تحت قاعده حرمت غناء خارج شده اند. روایات قراة قرآن را حمل بر روایات صوت حسن کرده است (همان، ۳۶۹-۳۸۰).

امام به خاطر که ابهام و اجمال که در دلالت معنای حُداء وجود دارد قائل به عدم استثناء و آنرا مشمول ادله حرمت غناء می داند. و چندین معنا برای حُداء بیان کرده است. (سوق الابل مطلق، سوق بمطلق الصوت الاعم من الغناء، مشترک بین سوق الابل مطلقاً بالتغنی؛ سوق الابل بالغناء). (همان، ۳۸۸).

۴-۲-۲. استثناء زَفِّ العرائس.

به خاطر صحیحه "اجرالمغنیة التي تزف العرائس..."
 اولاً: اشکال در سند این روایت وجود ندارد.
 ثانیاً: دلالت آن واضح و روشن است. (همان، ص ۳۹۰).
 ظاهر کلمات بعضی از فقهاء تقریباً موافق و مطابق با نظر امام ره است؛ که ادله را برای جواز اعراس نقل کرده اند.

الف - روایات وارده در این باب؛ اخص از حرمت مطلق غناء لهوی است.
 ب - دلیل حرمت غناء، دلیل لُبی است و قدر متیقن غناء در غیر مراثی، اعراس است؛ یا خارج از قدر متیقن است که در این صورت جایز است
 ج - غناء در اعراس، عرفاً لهوی گفته نمی شود؛ در این صورت موضوعاً از حرمت غناء خارج است. (صدر، ۱۴۳۰هـ ق: ص ۹۲).

بعضی دیگر گفتند غناء مطلقاً حرام است؛ و برای روایت - "اجر المغنیة التي تزف العرائس لیس به باس و لیست بالتی یدخل علیها الرجال... الخ؛" - چند توجیه ذکر کردند.

اولاً: این روایت اختصاص به حرمت اخذ اجرت عمل حرام دارد.
 ثانیاً: روایت تخصیص به غناء است؛ غناء عرائس اگر مردان داخل نشود اشکال ندارد.

ثالثاً: غنای حرام است که مردان با زنان مختلط شوند نه غنای غیر آن. (محسنی، بی تا: ص ۷۳-۷۴).

اما بر خلاف نظر فقهای بالا که قائل به صحت روایت بودند، برخی از فقهاء روایت "التي يدخل عليها الرجال"؛ و "اجرا لمغنية التي تزف العرائس ليس به باس... الخ"؛ را ضعیف و مجهول می دانند. (فقه الصادق، ۱۴۲۹ه ق: ص ۱۵۴).

۳-۴. فیض کاشانی

آنچه که از آراء مرحوم فیض کاشانی در کتاب الوافی فهمیده می شود این است که غناء بما هو غناء، اولاً و بالذات و فی نفسه حرام نیست؛ مگر آن که با حرام دیگر، مثل دخول الرجال علی النساء، ضرب الاوتار و امثالهم همراه باشد؛ در کتاب می فرماید: "والذي يظهر من مجموع الاخبار الواردة فيه، اختصاص حرمة الغناء و ما يتعلق به من الاجر، و التعليم و...؛ کلها بما كان على النحو المعهود المتعارف في زمن بني امية و بني العباس من دخول الرجال عليهنّ و تكلمهنّ بالباطيل...". (فیض کاشانی ۱۳۸۸: ۲۲۰/۱۷ - ۲۲۲). آنچه که از ظاهر مجموع اخبار در باب غناء و ما يتعلق به، فهمیده می شود، مراد همان غناء معهود و متعارف است که در زمان بنی امیه و بنی عباس مرسوم بود و آنها انجام می دادند، و حرمت آن غناء مشروط است به دخول رجال و اشتغال به کلام باطل و غیره من سائر الموارد.

مرحوم شیخ انصاری در مکاسب، مرحوم فاضل لنکرانی در "تفصیل الشریعة فی تحریر الوسیلة" - که در واقع شرح فتوا امام در تحریر است - همچنین بزرگان دیگر مثل مرحوم آقای خویی در - مصباح الفقاهه - اشکالات و ایرادات بر نظر مرحوم فیض کاشانی وارد کرده است و پاسخ های متین و جامع را مطرح کرده اند.

۴-۴. مرحوم فاضل لنکرانی

الف - روایات کثیره وارده در باب غناء - که بعضاً ادعای تواتر شده از حیث معنا دلالت بر نهی از نفس غناء دارد، با قطع نظر از عوارض و لواحق و عناوین دیگر مثل دخول الرجال و...؛

ب - اگر حرمت روایات باب غناء اختصاص به عوارض و غناء من حیث دخول الرجال و... داشته باشد، اهمیت دادن به روایت منع، لغو محض و بی فایده خواهد بود. و ورود نهی از سائر محرمات غیر غناء.

ج- روایت فقیه مرسله... الخ؛ مرسله است؛ اعتباری ندارد؛ اما روایت "سال رجل عن علی بن الحسین - علیهما السلام - عن شراء جاریة لها صوت؟ فقال: "ما عليك لو اشتريتها فذكرتك الجنة - يعني بقراءة القرآن - و الزهد و الفضائل التي ليست بغناء فأما الغناء فمحظور؛" مثل روایت ابی بصیر و ان كانت صحیحة، دلالت در ما نحن فیه ندارد. نهایت چیزی که از روایت ابا بصیر می توان استفاده کرد، این است که استثناء الغناء فی العرائس - فلا دلالة لهما علی حکم المطلق.

اما روایات وارده در باب استحباب قرائت قرآن؛ هیچ ارتباط با روایات غناء ندارد. "لعدم الملازمة بين الصوت الحسن و الغناء و ثبوت المغایرة بينهما" (فاضل لنکرانی ۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۷۰؛ خوئی ۱۴۱۷: ۳۰۸/۱-۳۰۹).

روایت که حسن بن علیّ الوشاء از امام رضا نقل کرده است؛ "عن شراء المغنیة قال: قد تكون للرجل الجارية تلهيه و ما ثمنها الا ثمن الكلب و.."؛ (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۲۴/۱۷). این روایت ضعیف است، به خاطر وجود سهل بن زیاد علی ضعفه؛ شرائین و بیعین حرام تعلیمهن کفر استماعهن نفاق؛ به خاطر طاهری ضعیف است؛ روایت جعلت فداک ما تقول فی النصرانیة اشتريتها و ابيعها من النصرانی؟ فقال: اشتر و بع... الخ؛ به دو جهت ضعیف است.

الف- سندا و دلالة؛ به خاطر که سوال از جاریه ای است دارای صوت حسن است نه از مغنیه؛ سوال از غیر مغنیه است.

ب- به خاطر دینوری ضعیف السند است. (شیرازی، ۱۴۱۵هـ ق: ص ۱۳۳-۱۳۵).

حکم حرمت غناء

۱- اجماع (محصل و منقول). فی الجملة دعوی اجماع دارند

ب- آیات به ضمیمه روایات. فلا وجه للخدشه فی الروایات الواردة فی تفسیر الآیه.

ج- روایات الداله علی حرمت الغناء؛ و الروایات الواردة فی حرمة الغناء و ان كان اكثرها ضعيف السند و لكن فی المعبر منها غنی و كفايه. (همدانی، ۱۴۲۰هـ ق: ص ۳۰۹-۳۱۲).

۵. ادله حرمت غناء

۱-۵. اجماع

۲-۵. آیات

از آیات و اجماع حرمت ثابت نمی شود؛ و دلالت بر حرمت غناء ندارد. عمده دلیل روایات است.

۳-۵. روایات

الطائفة الاولى: ما دل علی انه داخل فی عنوان الزور الوارد فی قوله تعالی.
الطائفة الثانية: ما دل علی انه داخل تحت عنوان "لهو الحدیث" الوارد فی قوله.
الطائفة الثالثة: ما دل علی النهی عنه و تحاشی ائمه الدین...
الطائفة الرابعة: ما دل علی ان اجر المغنیه محلله لها من حیث الغناء.
الطائفة الخامسة: ما دل علی حرمة استماعه مما یعلم منه حرمة اصله..
الطائفة السادسة: ما دل علی الحرمة الغناء فی القرآن. (شیرازی، ۱۴۱۵هـ ق: ص ۲۹۰).
به نظر مکارم؛ غناء بعنوانه حرام است مگر اینکه دلیل بر خلاف آن باشد.

۶. اشتراکات نظر امام خمینی ره و شیخ انصاری

۱ - شیخ انصاری ره به اختلاف فقهاء و علما درباره موضوع و ماهیت غناء اشاره دارد؛ همان طور که امام ره به آن اشاره فرمودند. شیخ انصاری - بعد از ارائه و بیان معانی و اصطلاحات لفظ غناء از دیدگاه فقهاء، لغویین و غیره درباره موضوع و ماهیت غناء - می فرماید: "وان اختلافات فی عبارات الفقهاء و اللغویین"؛ (شیخ انصاری ۱۴۱۳: ۱/۲۹۱).

۲ - امام ره مجرد صوت المطرب که متناسب با مجالس لهوی و اباطیل باشد را حرام می دانست؛ از لابلای بیانات شیخ انصاری هم بدست می آید که ایشان غناء را مساوی با صوت مطرب می داند. "وبالجمله، کلّ صوت یعدّ فی نفسه... فهو حرام"؛ شیخ هم فی الجمله قائل به حرمت ذاتی و فی نفسه غناء است.

۳ - امام خمینی در حرمت غناء، فرمودند. اولاً: باید شائیت و اقتضاء عرفی طرب

برای سبکی و خفت کفایست؛ لازم نیست که صوت مطرب، شانیت فعلی و شخصی داشته باشد. ثانیاً متناسب با شرائط مجالس لهوی و باطل باشد. از ظاهر بیان شیخ که ظاهراً بیانگر نظر نهایی ایشان مترادف این مطلب به دست می آید "ثم ان المرجع في اللّهُو الى العرف و الحاکم هو الوجدان؛ حيث يجد الصوت المذكور مناسباً لبعض آلات اللّهُو و للرقص... الخ"؛ (همان، ۲۹۷). مرجع و تشخیص دهنده موضوع غناء عرف جامعه است که باید غنای حرام را تشخیص بدهند که آیا متناسب با مجالس لهوی است یا خیر؟ جواب شیخ اینست که حاکم به این مطلب وجدان و قوه عاقله و مدرکه انسان ها می باشد.

۷. اختلافات نظر امام ره با شیخ انصاری

اولاً شیخ انصاری روایات مفسّره در باب غناء - که "قول الزور"؛ "لا یشهدون الزور"؛ و "لهو الحدیث"؛ را به غناء تفسیر کرده اند، مورد خدشه قرار داده و می گوید غناء مورد نظر و مانحن فیه را نمی توان با این ادله اثبات کرد؛ بعداً با اندک تامل و دقت نظر از این سخن عدول کرده و می فرماید در صورت مدعای ما توسط این روایات و اخبار مفسره ثابت می شود که ما غناء به معنای کلام باطل و لهوی بدانیم.

شیخ می فرماید: "فالانصاف أنّها لا تدلّ علی حرمة نفس الكيفية الآ من حيث اشعار "لهو الحدیث" بكون اللّهُو علی اطلاقه مبعوضاً لله"؛ (همان، ۲۸۷). انصاف و حقیقت این است که اخبار بانضمام روایات غناء به معنای کیفیت خاص را ثابت نمی کند مگر اینکه ما آنرا تعمیم داده و غناء را از باب لهوی بودن مشمول ادله مذکور نمایم. مرحوم امام ره استناد شیخ به اخبار مفسّره برای حرمت غناء از باب لهوی بودن را مردود دانسته و برای آن ایرادات و اشکالات را مطرح فرمودند (امام خمینی، ۱۳۹۲هـ ش: ص ۳۴۵).

۳- شیخ انصاری در حرمت غناء بین کلام حق و باطل فرق قائل نشده است؛ "و ظهر ممّا ذکرنا أنّه لا فرق بین استعمال هذه الكيفية في کلام حق او باطل و قراة القرآن و... بصوت یرجع فیه علی سبیل اللّهُو لا اشکال في حرمة... الخ"؛ (همان،

۲۹۷). امام مرحوم درباره کلام تفصیل قائل شده بود و گفته بود اگر کلام باطل و لَهوی بود حرام است و آلا اشکال ندارد. و روایات قرائت قرآن، مرآئی، را از باب صوت حسن و خوش می داند.

محقق ابروانی، صاحب کتاب حاشیة المكاسب می گوید قدر متیقن غناء همان کلام باطل است که فی ذاته باطل است؛ اما حسب المدلول مشتمل بر ترجیع، مدّ و اطراب. مراد از کلام باطل همان کلام لَهوی است که در مقام تلّهی باشد نه افاده. با در نظر گرفتن تعریف محقق ابروانی، کلام باطل حرام نیست، مگر اینکه مشتمل بر ترجیع، مد و اطراب باشد و هکذا مدّ الصوت المشتمل علی الترجیع مع المطرب حرام نیست مگر اینکه با کلام باطل همراه باشد - کما اینکه خودش این را تنقیح کرده است - چهار قید ذکر کرده است که در صورت فقدان یکی از قیود، حرمت ساقط می شود. (بطلان الکلام، مد الصوت، الترجیع، ثم الاطراب). (محقق ابروانی ۱۴۲۱: ۱۷۸/۳).

۸. نظر نهایی شیخ درباره غناء

با تدقیق و تأمل به مباحث شیخ انصاری در کتاب مکاسب محرمة، درباره غناء این نتیجه به دست می آید که اولاً: شیخ فی الجملة قائل به حرمت ذاتی غناء بوده، و غنای مورد نظر شیخ، عبارت از صوت مطربی لَهوی است که متناسب با مجالس لَهوی و باطل باشد و عرف مردم هم آنرا غناء بدانند حرام است؛ تفاوت ندارد بین اینکه این خصوصیت در کلام حق باشد یا کلام باطل، روایات وارده در فضیلت و ثواب قرائت قرآن را حمل بر صوت حسن کرده است و گفته؛ مجرد صوت بالترجیع تا زمانی که لَهوی نباشد حرام نیست؛ "و ظهر ممّا ذکرنا أنّه لا تنافی بین حرمة الغناء فی قراءة القرآن و ما ورد من قوله... "ورجّع بالقرآن صوتك فإنّ الله يحبّ الصوت الحسن"؛ "فانّ المراد بالترجیع تردید الصوت فی الحلق، و من المعلوم أنّ مجرد ذلك لا یكون غناءً اذا لم یکن علی سبیل اللّهُ..."; (همان، ۳۱۰). مرحوم عاملی می گوید: این روایات با روایات عام و خاص که در باب حرمت غناء آمده و از حد تواتر تجاوز کرده نمی شود معارضه کرد یا باید حمل بر تقیه کرد و یا باید بگوییم مراد مادون غناء

است؛ (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۱۲/۶).

۹. نتیجه گیری

از مجموعه بررسی و دقت در نظرات و دیدگاه های مرحوم شیخ انصاری و مرحوم امام خمینی ره درباره حرمت غناء، این مساله به دست می آید که در اصل ذاتی و ماهیت حرمت غناء فی الجمله با هم موافق و هم نظر بوده و اختلاف این دو فقیه به ادله و بعضی جزئیات آن بر می گردد. مثلاً مرحوم امام - قدس الله نفسه الزکیه - غناء را بطور کلی حرام می داند بدون استثناء، ولی از نظر ایشان غناء حلال هم وجود دارد در مقابل غناء باطل، که تخصصاً خارج است؛ ولی مرحوم شیخ غناء را عام دانسته و حتی اگر کلام حق باشد و خصوصیت غناء و طرب انگیز باشد حرام می باشد. و در این مساله بین کلام حق و باطل تفاوت وجود ندارد. البته روایات که در بعضی موارد دال بر حرمت غناء و در بعضی مورد هم دال بر جواز است، از مستثنیات غناء بوده و از تحت حکم کلی خارج است. و در مساله، صرفاً طرب انگیز و ایجاد طرب در نوع و عرف افراد در حرمت غناء کافی است، نظر مشترک و موافق با هم دارند.

۱۰. فهرست منابع

۱. انوری، حسن، ۱۳۸۱ه ش، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، تهران، انتشارات مهارت، چاپ اول.
۲. ابراهیم مصطفی، حامد عبدالقادر، احمد حسن الزیات و...؛ ۱۴۲۶ه ق، المعجم الوسیط، باقری، ج ۱، تهران، موسسه امام صادق.
۳. ایروانی، محمدتقی، ۱۴۲۱ه ق، حاشیه المکاسب، ج ۳، بی جا، انتشارات ذوی القربی، چاپ اول.
۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۲ه ق، وسائل الشیعه، الحسینی الجلالی، ج ۱۷، قم، مؤسسه آل بیت - علیهم السلام.
۵. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۰ه ق، مصباح الفقاهه فی المعاملات، قم، ناشر الفقاهه.

٦. دهخدا، على اكبر، ١٣٣٥، لغتنامه دهخدا، ج ٣٦، تهران.
٧. روحاني، سيد محمد صادق، ١٤٢٩هـ ق، فقه الصادق، ج ٢١، قم، غدیر.
٨. سبحانی تبریزی، جعفر، ١٤٣٠هـ ق، سلسله المسائل الفقهيه، قم، ج ٢١، مؤسسه الامام الصادق (ع)؛ چاپ دوم.
٩. شيخ انصاری، مرتضی، ١٤٣٨هـ ق، فرائد الاصول، قم، ج ٢، مجمع الفكر الاسلامی، چاپ سوم.
١٠. -----، ١٤١٣هـ ق، المكاسب، قم، ج ٢، مجمع الفكر الاسلامی، چاپ سوم.
١١. شیرازی، ناصر مکارم، ١٤١٥هـ ق، انوار الفقاهه في احكام العترة الطاهرة، تهران، هدف.
١٢. خمینی، روح الله الموسوی، ١٣٩٢هـ ش، المكاسب المحرمه، قم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- ١٣.
١٤. -----، تحرير الوسيله، ١٣٧٩هـ ش، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی ره، چاپ اول.
١٥. صدر، شهيد سيد محمد، ١٤٣٠هـ ق، ماوراء الفقه، نجف الاشرف، دارالاضواء، چاپ اول.
١٦. صمیري، مفلح بن حسن، ١٤٠٨هـ ق، تلخیص الخلاف و خلاصه الاختلاف، الرجایی، مهدی، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
١٧. طباطبائی، سيد علی، ١٤١٨هـ ق، رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت.
١٨. طریحی، فخرالدین، ١٣٦٢هـ ش، مجمع البحرين، الحسيني، احمد، تهران، مرتضوي.
١٩. فيومي، احمد بن محمد، ١٣٥٦هـ ش، المصباح المنير في الشرح الكبير للرافعي، قاهره، دار المعارف.
٢٠. كاشانی، ملا حبيب الله، ١٤١٧هـ ق، ذريعة الاستغناء في تحقيق الغناء، قم،

- مرکز احیا آثار الملا حبیب الله، چاپ اول.
۲۱. کاشف الغطاء، مهدی نجفی، ۱۴۲۴ه ق، احکام المتاجر المحرمه، ج ۱، نجف اشرف، موسسه کاشف الغطاء، چاپ اول.
۲۲. لنکرانی، محمد فاضل، ۱۳۹۰ه ش، تفصیل الشریعه فی تحریر الوسیله، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار ع.
۲۳. محسنی، محمد آصف، بی تا، حدود الشریعه (محرمات)، ج ۲، قم، موسسه آل بیت علیهم السلام.
۲۴. موسوی، سید عبدالرضا، ۱۳۸۲ه ش، دریای فقاہت زندگی‌نامه شیخ انصاری، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.
۲۵. نجفی، محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محقق؛ قوچانی، عباس، ج ۲۲، بیروت، دار الحیاء و التراث العربی.

